

رابطه جهت گیری مذهبی والدین و سبک فرزند پروری آنان با بهزیستی ذهنی فرزندان

الهه خوشنویس^۱

فاطمه دژاکام^۲

چکیده

هدف: هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، تعیین رابطه جهت گیری دینی والدین و سبک فرزندپروری آنان با بهزیستی ذهنی فرزندان بود. **روش:** روش این پژوهش، توصیفی - همبستگی است و جامعه آماری آن را کلیه دانش آموزان دختر دبیرستانی منطقه 20 آموزش و پرورش شهر تهران و مادران آنها تشکیل می دهد. تعداد نمونه آماری با فرمول گرین 200 نفر به دست آمد و به روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه های جهت گیری دینی آلپورت (1950)، سبکهای فرزندپروری بامریند (1971) و بهزیستی ذهنی کینیز، شموکتکین و ریف (2002) بود. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آماری فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. **یافته ها:** رابطه جهت گیری دینی درونی والدین با مؤلفه های عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت کلی از زندگی بهزیستی ذهنی فرزندان، مثبت و معنادار است. همچنین جهت گیری دینی بیرونی والدین در پیش بینی مؤلفه های بهزیستی ذهنی فرزندان معنادار نبود. در سبک فرزندپروری والدین؛ سبک مقتدرانه، مؤلفه عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت کلی از زندگی بهزیستی ذهنی فرزندان را مثبت و سبک فرزندپروری مستبدانه؛ مؤلفه عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت کلی از زندگی بهزیستی ذهنی فرزندان را منفی پیش بینی می کند. اما سبک فرزندپروری سهل گیرانه هیچ یک از مؤلفه های بهزیستی فرزندان را به صورت معنادار پیش بینی نکرد. **نتیجه گیری:** جهت گیری دینی درونی والدین و سبک فرزندپروری مقتدرانه آنان، با بهزیستی ذهنی فرزندان رابطه مثبت دارد.

واژگان کلیدی: جهت گیری دینی، سبک فرزندپروری، بهزیستی ذهنی.

◇ دریافت مقاله: 96/03/20؛ تصویب نهایی 97/01/17.

1. دکتری تخصصی روان شناسی عمومی، استادیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب (نویسنده مسئول) / نشانی: تهران؛ شهرک غرب، بلوار دادمان، بلوار درختی، خ ثقفی، دانشکده علوم انسانی واحد تهران غرب / نمابر: 26602650 /
Email: elaheh.khoshnevis@gmail.com

2. کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرقدس.

الف) مقدمه

اهمیت و نقش خانواده در مقام اولین جایگاه اجتماعی و مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتارهای فرزندان، بر کسی پوشیده نیست. خانواده اولین آموزشگاه شکل‌گیری شخصیت انسان است و نقش مهمی در تربیت دارد. اعضای خانواده و ضوابط مسلط بر آن، در وضعیت روانی کودک منعکس می‌شود و عاملی مهم در تعیین رفتار فرد است. ارتباط والدین و فرزندان از موضوعات مهمی است که سالها نظر صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. روان‌شناسان رشد نیز همواره علاقه‌مند بوده‌اند چگونگی تأثیر روشهای تربیتی والدین را بر رشد قابلیت‌های اجتماعی کودکان مطالعه و بررسی کنند که یکی از مباحث مهم در این حوزه، «فرزندپروری» است. هر خانواده با توجه به ویژگی‌های والدین و تقاضای آنان و پاسخ‌دهی فرزندان، شیوه‌های تربیتی و فرزندپروری ویژه‌ای را انتخاب می‌کند که با بروز و نگهداری رفتارها و ویژگی‌های خاص در فرزندان رابطه نشان داده است (پورحسینی، 1390). سبکهای تربیتی والدین، ساختارهای قوی در اجتماعی کردن کودکان‌اند و اغلب به عنوان تفاوت‌های فردی در تربیت کودکان توصیف می‌شوند. (رضایی و دادخواه، 1388؛ نقل از: غلامی جلیسه، 1386)

شیوه‌های فرزندپروری، عامل تعیین‌کننده و اثرگذاری است که نقش مهمی در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان دارد. بحث در خصوص هر یک از مشکلات فرزندان، بدون در نظر گرفتن نگرشها، رفتارها و شیوه‌های فرزندپروری، تقریباً غیر ممکن است. شیوه فرزندپروری یعنی نوع روابطی که والدین در موقعیتهای مختلف به منظور تربیت و پرورش فرزندان خویش پیش می‌گیرند. فرزندپروری فعالیتی پیچیده و در برگیرنده رفتارهای خاص است که به طور مجزا یا با هم، کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بامریند، 1991؛ نقل از: پورحسینی، 1390). گسترده‌ترین سنخ‌شناسی استفاده‌شده از رفتارهای تربیتی در غرب توسط بامریند¹ (1971) مطرح شد. در این کشورها، تحقیقات گسترده‌ای در خصوص سبکهای فرزندپروری و پیامدهای آن صورت گرفته و بر اساس آنها، سه سبک فرزندپروری مطرح شده است که عبارتند از: شیوه مقتدرانه، شیوه مستبدانه، شیوه سهل‌گیرانه. این طبقه‌بندی مبتنی بر پاسخ‌دهی و تقاضاهای والدین است.

مطالعات زیادی درباره نقش خانواده و سبکهای فرزندپروری بر بهزیستی ذهنی و سلامت روانی فرزندان انجام شده است. نتایج پژوهشها حاکی از این است که سبک مقتدرانه با بهزیستی ذهنی فرزندان رابطه مثبت دارد و بالعکس، سبک مستبدانه و سهل‌گیرانه با بهزیستی ذهنی فرزندان رابطه معکوس دارد. پژوهش امینا² (2015) که با هدف بررسی رابطه سبکهای فرزندپروری والدین و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان اندونزی انجام شده است، نشان داد که در روشهای فرزندپروری، مادران بیشتر سبک تربیتی

1. Bumrind
2. Amina

243 ♦ رابطه جهت‌گیری مذهبی والدین و سبک فرزند پروری ...

سهل‌انگارانه و پدران بیشتر سبک استبدادی داشتند؛ اما هر دو والد بیشتر تمایل به شیوه‌های فرزندپروری مثبت و مقتدرانه داشتند. همانند سایر نتایج پژوهشها، این پژوهش نیز نشان داد والدینی که از روشهای مقتدرانه استفاده می‌کنند، فرزندان با سطح سلامت و بهزیستی روان‌شناختی مناسب‌تری تربیت کرده بودند تا والدینی که از سبکهای سهل‌انگارانه یا استبدادی بهره می‌برند. همچنین باقرپور کماچالی (1384) طی پژوهشی در منطقه چهار شهر تهران روی 400 دختر و پسر دانش‌آموز و 400 مادر این فرزندان، که این نتیجه رسید که سلامت روانی و موفقیت تحصیلی در بین فرزندان که با الگوی قاطع و اطمینان‌بخش (مقتدر) تربیت می‌شوند، بیش از سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان بود که با الگوی استبدادی یا سهل‌گیر تربیت شده بودند.

والدین مقتدر، مجموعه فعالیت‌های فرزندان خود را هدایت می‌کنند (یکخواه بهرامی، 1386). کودکان در خانواده‌های مقتدر، در بحثهایی که به رفتارشان مربوط می‌شود، آزادانه شرکت دارند و حتی ممکن است تصمیم‌گیری هم بکنند، ولی اقتدار نهایی در دست والدین است. اما والدین مستبد سعی می‌کنند بر اساس ارزشها و معیارهای سنتی و مطلق، رفتار فرزند خود را شکل دهند و کمتر به گفتگو با فرزندان خود می‌پردازند و اگر کودک اطاعت نکند، به فشار و تنبیه متوسل می‌شوند. بامریند دریافت که کودکان پیش‌دبستانی دارای والدین مستبد، مضطرب و گوشه‌گیر و ناخشنودند و هنگام تعامل با همسالانشان در صورت ناکامی، با خصومت واکنش نشان می‌دهند؛ به خصوص پسرها که با خشم و سرپیچی زیادی واکنش نشان می‌دهند. اما دخترها، وابسته و بی‌علاقه به کندوکاو بوده، از تکالیف چالش‌برانگیز عقب‌نشینی می‌کنند. مطالعات انجام‌شده در ژاپن توسط ساکاموتو¹ و همکاران (2014) با هدف تحلیل عاملی نسخه ژاپنی پرسشنامه اقتدار والدین و تأیید اعتبار آن روی 1320 نفر انجام شد. نتایج نشان داد که فرزندان، اعم از دختر یا پسر، بیشتر مادران را در تربیت خود تأثیرگذار می‌دانستند. اما همین فرزندان بیان می‌کردند که بهداشت روانی آنان از تأثیر مستقیم سبکهای فرزندپروری هر دو والد نشئت گرفته است. همچنین سبک استبدادی با کاهش سطح سلامت روان در فرزندان همراه بود و سطح عملکرد زندگی آنان را کاهش می‌داد. این نتایج برای هر دو گروه دختران و پسران یکسان بود و تفاوت معناداری نشان نمی‌داد.

در روش سهل‌گیرانه، تقاضا کم و پاسخدهی زیاد است. به فرزندان آزادی بیش از اندازه داده می‌شود و هدف‌گذاری مناسب برای آنان صورت نمی‌گیرد. والدین سهل‌گیر سعی می‌کنند محیط غیر اجباری برای کودک خود فراهم کنند. در این خانه‌ها تصمیم‌هایی را در جهت خواسته‌های کودک یا نوجوان می‌گیرند و فرزند آزاد است به خواسته‌های والدین بی‌اعتنا باشد (صفایی، 1395). نتایج پژوهش نیکخواه بهرامی (1386) که روی 372 نفر از دانش‌آموزان پسر اول دبیرستان در منطقه بوستان و گلستان استان تهران و پدرانشان با هدف

بررسی رابطه سبکهای فرزندپروری با سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان انجام گرفت، نشان داد دانش‌آموزانی که والدینشان از سبک فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش استفاده می‌کنند، دارای سلامت روانی بالاتری‌اند و در مقابل، دانش‌آموزانی که والدین آنها از سبکهای مستبدانه و سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، دارای سلامت روانی کمتری‌اند.

در 50 سال گذشته، بیشترین تلاش روان‌شناسان بالینی بر قربانی‌شناسی و درمان کمبودها و رفع ناتوانی‌های روانی متمرکز بوده است. در این مسیر، رویکردهای مختلفی نظیر روان‌کاوی رفتاری، شناختی برای فهم و درمان اختلالات روانی شکل گرفته است. اما امروزه جنبش نوظهور روان‌شناسی مثبت بر این اساس مبتنی است که روان‌شناسی تنها بر ضعفها متمرکز نیست، بلکه روان‌شناسی باید بیشتر به دنبال افزایش شادی، سلامت روانی و مطالعه علمی در خصوص نقش نیرومندی‌های شخصی و سازه‌های اجتماعی مثبت در ارتقای سلامت روانی و جسمانی در افراد جوامع باشد (سلیگمن،¹ 1998؛ نقل از: مؤمنی، 1393)

برای اولین بار، سلیگمن و همکارانش در ایالات متحده آمریکا، مطالعه روان‌شناسی مثبت را به عنوان متمم یک رویکرد کمبودمدار در روان‌شناسی شروع کردند. روان‌شناسی مثبت، مطالعه علمی تجارب مثبت و ویژگی‌های فردی برای تسهیل رشد با هدف فراتر رفتن از رنج و زحمت و مشقت در روان‌شناسی بالینی است؛ یعنی هدف آن، ساختن چارچوب مفهومی برای شادمانی در سه حوزه لذت، درگیری و معناست. در این زمینه مباحثی مثل شادی، امید، سرزندگی و خوش‌بینی بررسی می‌شود (بارلو،² 2002؛ نقل از: جلوانی، 1390). بهزیستی ذهنی و شادی، از مقوله‌های روان‌شناسی مثبت است؛ تاریخچه بهزیستی ذهنی به اواخر دهه 50 و شادی به سالهای دهه 60 میلادی برمی‌گردد (کیز³ و همکاران، 2002؛ نقل از: جلوانی، 1390). بهزیستی ذهنی که به عنوان یکی از موضوعات مهم روان‌شناسی مثبت، توجه زیادی را به خود جلب کرده، معنای گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. بهزیستی ذهنی ساختار وسیعی است که همه جنبه‌های تجربیات شخصی را در بر می‌گیرد و شامل ارزیابی شناختی و هیجانی افراد از زندگی‌شان است. در واقع؛ بهزیستی ذهنی یا رضایت از زندگی، بزرگ‌ترین آرزو و مهم‌ترین هدف زندگی بشر است و بیش از هر عامل دیگری، سلامت روانی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (شیرزادی‌فرد، 1390)

دینر⁴ بهزیستی ذهنی را یک سازه چندبعدی تعریف می‌کند که همزمان با حضور تجارب عاطفی مثبت و رضایت از زندگی، باید نبود حالتهای عاطفی منفی را نشان دهد. لویز و اسنایدن¹ بهزیستی ذهنی را علم

1. Slygmn
2. Barlo
3. Kiez
4. Diner

245 ♦ رابطه جهت‌گیری مذهبی والدین و سبک فرزند پروری ...

شادمانی و رضایت از زندگی عنوان کرده‌اند. بهزیستی ذهنی نام علمی چگونگی ارزیابی افراد از زندگی‌شان است. این ارزیابی بر اساس قضاوت کلی در خصوص رضایتمندی از جنبه‌های مختلف زندگی یا بر مبنای عاطفی افراد صورت می‌گیرد. دینر برای اولین بار مفهوم شادمانی و ساختارهای مرتبط با آن را بررسی کرد و اصطلاح بهزیستی ذهنی را جایگزین و مترادف شادکامی قرار داد. (نقل از: جلوانی، 1390)

در سالهای اخیر، دین به عنوان یکی از عمده‌ترین متغیرهای مؤثر بر رفتار و حالات روانی، توجه بسیاری از متخصصان علوم رفتاری را به خود جلب کرده است؛ تا جایی که برخی دین را عامل اساسی در بهداشت فردی و اجتماعی معرفی کرده‌اند. زندگی در جهان صنعتی که در آن روابط انسانی تا حدی ضعیف شده، حمایت‌های اجتماعی کم‌رنگ شده، اخلاقیات صحیح انسانی به خطر افتاده و افراد مجبورند برای گذران زندگی به تلاش بی‌وقفه دست بزنند و در عین حال از بسیاری خواسته‌ها و نیازهای فطری و انسانی خود صرف نظر کنند، شرایط آسیب‌زایی را برای سلامت روانی و بهزیستی آنان فراهم ساخته است. پژوهش‌های بی‌شماری نشان داده‌اند که آنچه انسان امروزی را بیشتر رنج می‌دهد، احساس بی‌هدفی و بی‌معنایی در زندگی است (پورحسینی، 1390). از جمله عواملی که در چند دهه اخیر، به اعتقاد برخی از روان‌شناسان و به استناد مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته، نقش و جایگاه مؤثری در بهداشت روانی دارد و نیز کارایی آن در درمان بیماری‌های روانی اثبات شده، دین و دین است (غباری‌ناب، 1380). کونینگ² (2002) در پژوهش خود دریافت افرادی که همیشه از مقابله‌های دینی استفاده می‌کنند، نسبت به افرادی که کمتر و گاهی از این مقابله‌ها استفاده می‌کنند، در 9 شاخص از 12 شاخص سلامت روان‌شناختی، نمرات بالاتری کسب کردند. (فدایی لشکرگامی، 1393)

به اعتقاد گروهی از پژوهشگران، دین به عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات، بایدها و نبایدها و نیز ارزشهای اختصاصی و تعمیم‌یافته، یکی از مؤثرترین تکیه‌گاه‌های روانی به شمار می‌رود که قادر است معنای زندگی را در لحظه لحظه عمر فراهم سازد و فرد را از تعلیق و بی‌معنایی نجات دهد (بهرامی احسان، 1381). آلپورت³ دین را به عنوان فلسفه وحدت‌بخش زندگی توصیف می‌کند و آن را یکی از عوامل بالقوه مهم سلامت روان دانسته و معتقد است نظام ارزشی دینی، بهترین زمینه را برای یک شخصیت سالم آماده می‌کند (خوانین‌زاده، ازه‌ای و مظاهری، 1386). برگین⁴ (1980) در مطالعه‌ای روی 60 دانشجوی مسیحی، مشاهده کرد دانشجویانی که

1. Lopez & Snyder
2. Kinyng
3. Alport
4. Burgin

والدین شان خیرخواه بودند و دوران کودکی آنان بدون تعارض و همراه با تجارب دینی (درونی) سپری شده بود، سلامتی روانی بیشتری داشتند.

با توجه به اهمیت متغیر جهت گیری دینی در زندگی افراد، تا کنون نقش آن را در مسائل روان شناختی گوناگون بررسی کرده اند. کالسون¹ (1998) در پژوهشی نشان داد که اعمال عبادی و ذکر می تواند اثرات مثبت روانی و جسمانی همانند آرامش روانی ایجاد کنند (پورحینی، 1390). ویلیتس و کرایدر² (1998) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که نگرشهای دینی با سلامت روانی رابطه مثبت دارد. (مؤنی، 1393)

شواهد نسبتاً پایداری وجود دارد که مشغولیت منظم در فعالیت دینی، به طور مثبت با سلامت ذهن مرتبط است. شواهد از این نظر حمایت می کنند که اعتقاداتمان، بهزیستی ذهنی مان را تحت تأثیر قرار می دهد. افراد دینی صرف نظر از ایمان و اعتقاداتشان، عموماً شادتر از افراد غیر دینی اند. در مطالعه ای نشان داده شد که عقاید دینی قوی تر، باعث ایجاد یک اثر مثبت روانی می شود که در ارتقای بهداشت روان مؤثر است. (زندى، 1394)

جان بزرگی (1386) نیز در پژوهش خود روی 140 نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه های تهران به این نتیجه رسید که بین دینی بودن و سلامت روانی، رابطه مستقیم وجود دارد. هرچه جهت گیری دینی درونی تر می شود، سلامت روانی بالاتر می رود. هر چه جهت گیری فرد در زمینه دینی بیرونی تر می شود، احساس خستگی و نشانه های بدنی نیز بیشتر می شود. هر چه جهت گیری فرد بیرونی تر می شود، میزان اضطراب و بی خوابی فرد بیشتر می شود.

با توجه به مطالب بیان شده، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که: «آیا جهت گیری دینی والدین و سبکهای فرزندپروری آنان، با بهزیستی ذهنی فرزندان رابطه دارد؟».

فرضیه های پژوهش:

- جهت گیری های دینی والدین، به صورت معنادار مؤلفه های بهزیستی ذهنی (عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی) فرزندان را پیش بینی می کند.
- سبکهای فرزندپروری، به صورت معنادار مؤلفه های بهزیستی ذهنی (عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی) فرزندان را پیش بینی می کند.

ب) روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، جزء پژوهش‌های بنیادی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، از نوع مطالعه‌های توصیفی (همبستگی) به شمار می‌رود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دختران دبیرستانی منطقه 20 آموزش و پرورش و مادران آنان تشکیل دادند که تعداد آنها 2317 نفر بود. در این پژوهش از روش خوشه‌ای تصادفی استفاده کردیم؛ بدین صورت که از میان 13 دبیرستان دخترانه منطقه 20، پنج مدرسه و از هر مدرسه، دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ها بین دانش‌آموزان کلاسها توزیع شد.

بازه سنی دانش‌آموزان نمونه انتخاب‌شده، بین 15 تا 17 سال و میانگین آنان 16/11 سال و با انحراف معیار 0/69 بود. دامنه سنی مادران گروه نمونه بین 35 تا 46 سال و میانگین سنی آنان 36/67 سال با انحراف معیار 12/43 بود. در متغیر جمعیت‌شناختی سطح تحصیلات، نمونه آماری پژوهش به چهار گروه (زیر دیپلم، دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر) تقسیم شدند که بیشترین فراوانی به گروه کارشناسی ارشد و بالاتر با 67 نفر و کمترین فراوانی به گروه زیر دیپلم با 19 نفر اختصاص داشت.

ج) ابزار

1. پرسشنامه جهت‌گیری دینی آلپورت

بر اساس نظریه آلپورت؛ دین درونی، دینی فراگیر و دارای اصول سازمان‌یافته و درونی‌شده است؛ در حالی که دین بیرونی، امری خارجی و ابزاری است که برای ارضای نیازهای فردی، از قبیل مقام و امنیت از آن استفاده می‌شود. منظور آلپورت از جهت‌گیری دینی درونی عبارت است از تعهد انگیزشی فراگیر، که غایت و هدف است نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف فردی. (جان‌بزرگی، 1378)

آلپورت و راس در سال 1950 این مقیاس را برای سنجش جهت‌گیری‌های درونی و بیرونی دین تهیه کردند. این آزمون که سال 1379 در ایران، ترجمه و هنجاریابی شده، مشتمل بر 21 پرسش چهارگزینه‌ای به منظور سنجش میزان جهت‌گیری دینی افراد است. عبارات 1 تا 12، جهت‌گیری دینی بیرونی و عبارات 13 تا 21، جهت‌گیری دینی درونی را بر مبنای نمره‌گذاری لیکرت می‌سنجند. (گراوند و همکاران، 1391)

جان‌بزرگی (1378) اعتبار این مقیاس را در یک گروه نمونه 235 نفری از دانشجویان دانشگاه‌های تهران با اعتبار 0/73 بر اساس آلفای کرونباخ گزارش کرده است. برای بررسی روایی، در پژوهش شفیع‌ی و همکاران (1391)، از تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین استفاده شد و ساختار ساده دو عاملی به دست آمد که می‌توانست به ترتیب 14/02 و 28/06 از واریانس جهت‌گیری دینی را بیان کند. در بررسی پایایی مقیاس یادشده، آلفای کرونباخ جهت‌گیری دینی بیرونی، 0/71 و جهت‌گیری درونی، 0/62 به دست آمد.

همسانی درونی این مقیاس توسط جان‌بزرگی (1378) و با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ، 0/71 و پایایی بازآزمایی آن، 0/74 است.

در این پژوهش، همسانی درونی این مقیاس با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ برای شاخصهای جهت‌گیری دینی بیرونی و درونی به ترتیب 0/65 و 0/61 به دست آمد.

2. پرسشنامه سبکهای فرزندپروری بامریند

این پرسشنامه توسط دیانا بامریند (1967) پس از بررسی‌های طولانی ساخته شده و شامل 30 جمله است: 10 جمله به شیوه سهل‌گیرانه، 10 جمله به شیوه مستبدانه و 10 جمله به شیوه مقتدرانه. پرسشنامه فرزندپروری بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت است و به صورت جداگانه توسط پدر و مادر پاسخ داده می‌شود.

اسفندیاری (1374) فرم اصلی این پرسشنامه را در انستیتوی روان‌پزشکی ایران ترجمه کرده و برای تعیین روایی صوری آن، اصلاحات لازم را به عمل آورده و جمله‌هایی نیز به آن افزوده است. سپس از 10 نفر صاحب‌نظر در زمینه روان‌شناسی و روان‌پزشکی خواسته است تا میزان روایی هر جمله را مشخص و در صورت لزوم، نظر اصلاحی خود را بیان کنند. نتیجه بررسی‌ها نشان داده‌اند که پرسشنامه دارای روایی صوری است. بوری (1991) میزان اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه پدران و مادران بدین شرح گزارش کرده است: 81 درصد برای شیوه سهل‌گیرانه، 86 درصد برای شیوه مستبدانه، 78 درصد برای شیوه مقتدرانه در بین مادران و 77 درصد برای شیوه سهل‌گیرانه، 85 درصد برای شیوه مستبدانه و 92 درصد برای شیوه مقتدرانه در بین پدران (نقل از: محمدی، 1390). همچنین اسفندیاری (1374) برای تعیین پایایی، از روش بازآزمایی استفاده کرده که میزان آن برای شیوه سهل‌گیرانه 73 درصد، برای شیوه مستبدانه 71 درصد و برای شیوه مقتدرانه 75 درصد محاسبه شده است. بنابر این، با توجه به گزارشهای موجود و استاندارد بودن ابزار، اعتبار و پایایی آزمون بامریند تأیید شد.

در پژوهش حاضر نیز همسانی درونی مؤلفه‌های سبکهای فرزندپروری با استفاده از روش آلفای کرونباخ سنجیده شد و این نتایج به دست آمد: شیوه مقتدرانه 0/76، شیوه مستبدانه 0/66، شیوه سهل‌گیرانه 0/65. نتایج حاکی از همسانی درونی مؤلفه‌های این پژوهش است.

3. پرسشنامه بهزیستی ذهنی

طبق دیدگاه کیزر، شموکین و ریف (2002)، مؤلفه رضایت کلی از زندگی به وسیله مقیاس تک سؤالی و مؤلفه‌های عاطفه مثبت و منفی به ترتیب با شش عبارت مثبت و منفی، ارزیابی و از آزمودنی‌ها خواسته شد که در مجموع، زندگی خود را روی مقیاس 10 درجه‌ای از صفر (بدترین شرایط ممکن) تا 10 (بهترین شرایط ممکن) مشخص کنند. در مقیاس عاطفه مثبت از آزمودنی‌ها خواسته شد با استفاده از شش نشانگر

249 ♦ رابطه جهت‌گیری مذهبی والدین و سبک فرزند پروری ...

«بشاش، دارای روحیه خوب، فوق‌العاده شاد، آرام و آسوده، راضی، سرزنده»، وضعیت خود را روی مقیاس پنج درجه‌ای از یک (هیچ وقت) تا پنج (تمام اوقات) مشخص کنند. در مقیاس عاطفه منفی از آزمودنی‌ها خواسته شد وضعیت خود را طی 30 روز گذشته روی شش نشانگر «آنقدر غمگینم که هیچ چیز نمی‌تواند مرا سر حال بیاورد، عصبی، ناآرام یا بی‌قرار، ناامید، همه چیز برایم سخت و پرزحمت بود، بی‌ارزش» روی مقیاس پنج درجه‌ای از یک (هیچ وقت) تا پنج (تمام اوقات) مشخص کنند (تقی‌لو و همکاران، 1391). اعتبار درونی در مقیاس عاطفه مثبت، 0/91 و عاطفه منفی 0/78 بود. ضرایب آلفای کرونباخ برای مقیاسهای عاطفه مثبت و منفی به ترتیب 0/88 و 0/90 به دست آمد. (گلستانی‌بخت، 1386)

ضرایب آلفای کرونباخ برای مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی در این پژوهش به ترتیب 0/85 و 0/75 به دست آمد.

(د) یافته‌ها

تعداد 150 دانش‌آموز دختر دبیرستانی به همراه مادرانشان در این پژوهش شرکت کردند. میانگین و انحراف استاندارد سن در دانش‌آموزان به ترتیب 16/11 و 0/69 و در مادران به ترتیب 36/67 و 12/43 بود. جدول 1، میزان تحصیلات مادران و درصد آن را بیان می‌کند.

جدول 1: توصیف گروه نمونه بر اساس مقطع تحصیلی

مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	19	12/7
دیپلم	24	16
کارشناسی	40	26/7
کارشناسی ارشد و بالاتر	67	44/7
کل	150	100

جدول 2: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

8	7	6	5	4	3	2	1	
							-	جهت‌گیری دینی بیرونی
						-	-0/020	جهت‌گیری دینی درونی
					-	0/081	0/077	سبک فرزندپروری دموکراتیک
				-	-0/080	-0/012	0/118	سبک فرزندپروری دیکتاتوری
			-	0/237**	0/085	0/032	0/051	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه
		-	0/032	-0/228**	0/377**	0/380**	-0/088	بهزیستی ذهنی - عواطف مثبت
	-	0/585**	-0/030	-0/297**	0/290**	0/319**	-0/006	بهزیستی ذهنی - عدم وجود عواطف منفی
-	0/498**	0/519**	0/071	-0/212**	0/233**	0/393**	0/072	بهزیستی ذهنی - رضایت کلی از زندگی

*P<0/05 **P<0/01

همچنان که در جدول 3 دیده می‌شود، جهت‌گیری دینی درونی والدین بر خلاف جهت‌گیری دینی بیرونی آنان، به صورت مثبت و در سطح معناداری 0/01 با هر سه مؤلفه عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی فرزندان همبسته است. همچنین سبک فرزندپروری دموکراتیک به صورت مثبت و سبک فرزندپروری دیکتاتوری به صورت منفی و در سطح 0/01 با هر سه مؤلفه عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی فرزندان همبسته بودند.

فرضیه‌های پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد سلسله‌مراتبی تحلیل رگرسیون چندمتغیری آزمون شدند. تحلیل در سه مرحله انجام شد و در هر مرحله یکی از مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی فرزندان پیش‌بینی شد. در این تحقیق، جهت‌گیری‌های دینی والدین و سبک‌های فرزندپروری، متغیرهای پیش‌بین و هر یک از مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی فرزندان، متغیرهای ملاک بود. نتایج تحلیل در جدول 3 نشان داده شده است.

رابطه جهت‌گیری مذهبی والدین و سبک فرزند پروری ... 251

جدول 3: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری در پیش‌بینی مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی فرزندان بر اساس جهت‌گیری‌های دینی والدین و سبک‌های فرزندپروری

متغیر ملاک	متغیرها	B	SE	t	سطح معناداری	
عاطفه مثبت بهزیستی ذهنی	جهت‌گیری دینی بیرونی	-0/079	0/064	-1/222	0/224	
	جهت‌گیری دینی درونی	0/424	0/085	5/010	0/001	
	F(2, 147)=13/089, P<0/001		R ² =0/151 و adjR ² =0/140			
	سبک فرزندپروری دموکراتیک	0/212	0/044	4/781	0/001	
	سبک فرزندپروری دیکتاتوری	-0/153	0/056	-2/737	0/007	
	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	0/039	0/065	0/611	0/542	
	F(5, 144)=13/094, P<0/001 ΔF=11/269, P=0/001		R ² =0/313 و adjR ² =0/289			-0/161 ΔR ²
عدم وجود عاطفه منفی بهزیستی ذهنی	جهت‌گیری دینی بیرونی	0/012	0/061	0/193	0/847	
	جهت‌گیری دینی درونی	0/327	0/080	4/075	0/001	
	F(2, 147)=8/322, P<0/001		R ² =0/102 و adjR ² =0/089			
	سبک فرزندپروری دموکراتیک	0/138	0/042	3/289	0/001	
	سبک فرزندپروری دیکتاتوری	-0/195	0/053	-3/677	0/001	
	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	0/004	0/061	0/073	0/942	
	F(5, 144)=9/424, P<0/001 ΔF=9/227, P=0/001		R ² =0/247 و adjR ² =0/220			-0/145 ΔR ²
رضایت از زندگی بهزیستی ذهنی	جهت‌گیری دینی بیرونی	0/042	0/034	1/214	0/227	
	جهت‌گیری دینی درونی	0/233	0/045	5/139	0/001	
	F(2, 147)=13/938, P<0/001		R ² =0/159 و adjR ² =0/148			
	سبک فرزندپروری دموکراتیک	0/055	0/024	2/314	0/022	
	سبک فرزندپروری دیکتاتوری	-0/090	0/030	-3/00	0/003	
	سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	0/043	0/035	1/245	0/215	
	F(5, 144)=9/429, P<0/001 ΔF=5/552, P=0/001		R ² =0/248 و adjR ² =0/221			-0/088 ΔR ²

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول 3، فرضیه‌های پژوهش به قرار ذیل آزمون شدند:

فرضیه اول: جهت‌گیری‌های دینی والدین به صورت معنادار مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی (عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی) فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

طبق جدول 2، ضریب رگرسیون جهت‌گیری دینی درونی والدین با مؤلفه‌های عاطفه مثبت ($p < 0/01$)، عدم وجود عاطفه منفی ($\beta = 0/348$, $p < 0/01$) و رضایت از زندگی ($\beta = 0/373$, $p < 0/01$)

بهبودی ذهنی فرزندان مثبت و در سطح 0/01 معنادار است. در مقابل، ضریب رگرسیون مربوط به جهت گیری دینی بیرونی والدین در پیش‌بینی مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی فرزندان در سطح 0/05 معنادار نبود. همچنین مجذور همبستگی چندگانه به دست آمده (R^2) برای سه مؤلفه عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی بهزیستی ذهنی فرزندان به ترتیب 0/151، 0/102 و 0/159 بود. این موضوع بیانگر آن است که جهت‌گیری‌های دینی والدین به ترتیب 15/1، 10/2 و 15/9 درصد از واریانس عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کند. بدین ترتیب در آزمون فرضیه اول چنین نتیجه‌گیری شد که بر خلاف جهت‌گیری دینی بیرونی، جهت‌گیری دینی درونی والدین به صورت مثبت و معنادار، مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

فرضیه دوم: سبکهای فرزندپروری به صورت معنادار مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی (عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی) فرزندان را پیش‌بینی می‌کند.

جدول 2 نشان می‌دهد که با ورود سبکهای فرزندپروری به معادله پیش‌بینی مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی فرزندان، ارزش R^2 برای سه مؤلفه عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی بهزیستی ذهنی فرزندان به ترتیب 0/313، 0/247 و 0/248 رسیده است. این یافته بدان معناست که ورود سبکهای فرزندپروری به معادله پیش‌بینی، باعث شده تا به ترتیب 31/3، 24/7 و 24/8 درصد از واریانس مؤلفه عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی تبیین شود. ارزش تغییرات R^2 (ΔR^2) برای مؤلفه عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی به ترتیب 0/161، 0/145 و 0/088 بود. این یافته بدان معناست که با ورود سبکهای فرزندپروری در معادله پیش‌بینی و با کنترل اثر جهت‌گیری‌های دینی والدین، مقدار واریانس تبیین شده مؤلفه عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی به ترتیب 16/1، 14/5 و 8/8 درصد افزایش یافته است که این افزایش برای همه مؤلفه‌ها به لحاظ آماری در سطح 0/01 معنادار بود.

در کل، به دنبال ارزیابی ضرایب رگرسیون جدول 2، در آزمون فرضیه دوم چنین نتیجه‌گیری شد که سبک فرزندپروری مقتدرانه، مؤلفه عاطفه مثبت بهزیستی ذهنی فرزندان ($\beta=0/336, p<0/01$) و مؤلفه عدم وجود عاطفه منفی ($\beta=0/242, p<0/01$) را به صورت مثبت و در سطح 0/01 و مؤلفه رضایت از زندگی آن را به صورت مثبت و در سطح 0/05 پیش‌بینی می‌کند ($\beta=0/170, p<0/05$). همچنین نتایج تحلیل نشان داد که سبک فرزندپروری دیکتاتوری، مؤلفه عاطفه مثبت بهزیستی ذهنی فرزندان ($\beta=-0/197, p<0/01$)، مؤلفه عدم وجود عاطفه منفی ($\beta=-0/277, p<0/01$) و رضایت از زندگی ($\beta=-0/226, p<0/01$) آن را به صورت منفی و در سطح 0/01 پیش‌بینی می‌کند. گفتنی است که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه هیچ یک از مؤلفه‌های بهزیستی فرزندان را به صورت معنادار پیش‌بینی نکرد.

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر در تبیین فرضیه اول نشان داد که بین جهت‌گیری دینی درونی و مؤلفه‌های عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی بهزیستی ذهنی، رابطه مثبت و بین جهت‌گیری دینی بیرونی و این مؤلفه‌ها رابطه معکوس وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز آشکار کرد این یافته‌ها با تحقیقات ینگ و چن (2014)، برنستن (2005)، کونینگ (2002)، جان‌بزرگی (1386)، بهرامی احسان (1381)، خداپناهی و خاکسار بلداجی (1384)، هادیان‌فرد (1384) و جمالی (1381) همسو است.

در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان گفت که در جهت‌گیری درونی، هدف بس عمیق‌تر و مهم‌تر است و به عبارتی؛ مقیاس دینداری درونی موادی این چنین دارد: «این برایم مهم است که بخشی از وقتم را در تنهایی به تفکر و تأمل درباره باورهای دینی خود بگذرانم» یا «من با جدیت تلاش می‌کنم دینم را با تمام رفتارهای زندگی‌ام همراه کنم» یا «باورهای دینی‌ام در واقع زیربنای اصلی روش من در زندگی می‌باشند». بنابر این در ایمان درونی، فرد تلاش می‌کند جنبه‌های غیر الهی و سکولار زندگی را با ایمان خود سازگار کند. افراد دارای این نوع از جهت‌گیری دینی، کسانی‌اند که دینداری در آنها انگیزه برتر است و اعتقاد به خدا، زیربنای اعمال و رفتار آنان را شکل می‌دهد. آنان خدا را نه فقط از روی میل به کسب چیزی عبادت می‌کنند، بلکه هدفشان تقدس و سپاس از خداست؛ دیندارانی که خداپرستند، نه بهشت‌پرست و لذت‌پرست و دینشان فقط در بهشت و جهنم و ارضای نیازهایشان خلاصه نمی‌شود (پورحسینی، 1390) و این امر با زندگی امروزه سازگار نیست؛ بدین معنا که سختی‌ها و دشواری‌های زندگی افراد در جوامع پرسرعت و تکنولوژی، سبب شده باورهای دینی آنان دستخوش تغییراتی شود و لذا در پژوهش حاضر شاهد آن هستیم که خرده‌مقیاسهای عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت زندگی با جهت‌گیری دینی درونی رابطه معنادار داشته و توانایی پیش‌بینی این متغیر را دارد. اما این خرده‌مقیاسها با جهت‌گیری دینی بیرونی ارتباط معناداری ندارند و در نتیجه، توانایی پیش‌بینی را ندارند.

نکته لازم توجه اینکه، با وجود رابطه معناداری میان این خرده‌مقیاسها و جهت‌گیری دینی درونی، میزان پیش‌بینی این متغیرها بر اساس نتایج به دست آمده، حداکثر در حدود 16 درصد است؛ یعنی 84 درصد از متغیر جهت‌گیری دینی توسط سایر عوامل تأثیرگذار پیش‌بینی می‌شود. در این راستا می‌توان به تأثیرپذیری جامعه کنونی از دین در تمامی جنبه‌های زندگی اشاره کرد. به عبارت دیگر؛ با توجه به بافت دینی جامعه امروزی و همچنین فرهنگ و سنتی که در این خصوص در میان مردم رواج دارد، برای بررسی سایر عوامل بایستی پژوهشهای دیگری بر اساس متغیرهای دیگری صورت پذیرد. از جمله این عوامل می‌توان به بافت و ساختار خانوادگی مادران در خانه پدری و همچنین در خانواده فعلی اشاره کرد و بیان کرد که اگر مادری دینی بوده و این دین در تمامی تصمیم‌گیری‌های وی برای تربیت فرزند دخیل باشد، در نتیجه بر اساس

بهزیستی فرزند و خرده‌مقیاس‌های آن، بیشتر می‌توان جهت‌گیری درونی را پیش‌بینی کرد. لذا بررسی این عوامل، نیازمند پژوهش‌های دیگری است.

از جمله محدودیتهای پژوهش حاضر این است که با توجه به بافت دینی جامعه و دیدگاه افراد در این باره، به نظر می‌رسد پاسخ‌دهی به سؤالات دینی توسط مادران با کمی محافظه‌کاری همراه باشد.

نتایج پژوهش در بررسی فرضیه دوم نشان می‌دهد که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین و مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی فرزندان، رابطه مثبت و معنادار و بین سبک فرزندپروری مستبدانه و بهزیستی ذهنی فرزندان، رابطه منفی وجود دارد. همچنین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نتوانسته است هیچ کدام از مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی فرزندان را پیش‌بینی کند.

نتایج به دست آمده با نتایج امینا و همکاران (2015)، ساکامو و همکاران (2014)، جوسمت، ماگیو و کاستر (2014)، آبار، کارتر و وینسلر (2009)، اسمیت و پل (2003)، پاول و تورسن (2001)، غلامی جلیسه (1386)، بهرامی احسان و تاشک (1383)، مختاری (1379) و وفاپی بوربور (1378) همسو است.

در تبیین نتایج به دست آمده به جرئت می‌توان گفت که امروزه تمامی والدین از سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه بهره می‌برند و همین امر سبب شده که این مؤلفه از سایر مؤلفه‌ها و خرده‌مقیاس‌های سبک فرزندپروری بیشتر قدرت پیش‌بینی داشته باشد. همچنین افزایش آگاهی‌های والدین که با افزایش سطح تحصیلات آنان ارتباط دارد، سبب شده است میزان بهزیستی فرزندان نیز افزایش پیدا کند و به عبارت دیگر؛ سلامت روانی افراد خانواده بهبود یابد. این موضوع از آنجا نشئت می‌گیرد که فرزندان و به ویژه نوجوانانی که در خانواده‌های مقتدر (خانواده‌هایی با سبک فرزندپروری دموکراتیک) زندگی می‌کنند، در بحث‌هایی که به رفتارشان مربوط می‌شود، آزادانه شرکت کرده و حتی ممکن است تصمیم‌گیری بکنند، ولی اقتدار نهایی در دست والدین است (مدایی، 1387). این عامل سبب می‌شود که نوجوان در محیط خانه احساس خوبی داشته باشد و این فکر در او تداعی شود که والدین من، مرا در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت می‌دهند و در نتیجه می‌تواند به ابراز عقیده و اندیشه خود بپردازد و از این حیث در محیط خانه احساس فشار روانی نداشته باشد و محیط خانه را محیطی امن برای خود تلقی کند.

از محدودیتهای پژوهش این بود که عموماً مادران تمایل دارند سؤالات پرسشنامه را به نوعی پاسخ دهند که حاکی از سبک فرزندپروری مقتدرانه یا دموکراتیک در محیط خانواده باشد.

در ادامه به این نکته باید توجه کرد که به طور طبیعی هر چه فضای روانی و عاطفی خانواده از وضعیت مناسبی برخوردار باشد، هم والدین و هم فرزندان از شرایط و جو روانی آن بیشتر احساس لذت کرده و همین امر سبب می‌شود از زندگی خود بیشتر احساس رضایت کنند. البته این امر در ارتباط با سبک تربیتی استبدادی (همان‌گونه که در نتایج آمده است) معکوس است؛ بدین معنا که هر چه والدین از روش‌های

255 رابطه جهت‌گیری مذهبی والدین و سبک فرزند پروری ...

تربیتی استبدادی استفاده کنند، علاوه بر کاهش سطح رضایت از زندگی در خود، سبب برهم خوردن جو عاطفی خانواده شده و فرزندان نیز از کلیت زندگی احساس رضایت نخواهند کرد. والدین مستبد سعی می‌کنند بر اساس ارزشها و معیارهای سنتی و مطلق، رفتار فرزند خود را شکل دهند و کمتر به گفتگو با آنان خود می‌پردازند؛ اگر کودک اطاعت نکند، والدین مستبد به فشار و تنبیه متوسل می‌شوند. بامریند دریافت که کودکان پیش‌دستانی دارای والدین مستبد، مضطرب و گوشه‌گیر و ناخشنودند و هنگام تعامل با همسالانشان، در صورت ناکامی، با خصومت واکنش نشان می‌دهند؛ به خصوص پسرها که با خشم و سرپیچی زیادی واکنش نشان می‌دهند؛ اما دخترها، وابسته و بی‌علاقه به کندوکاو بوده، از تکالیف چالش‌برانگیز عقب‌نشینی می‌کنند. (پورحسینی، 1390)

پیشنهادات :

پیشنهاد می‌شود برای غنای بیشتر پژوهش، در پژوهشهای آتی به متغیرهای دیگری از جمله: دلبستگی والد-فرزند، سازوکار دفاعی نوجوانان، پیشرفت تحصیلی نوجوانان و بررسی روابط مادر با نوجوان از سنین کودکی و ارزیابی تأثیر آن در عزت نفس نوجوان امروزی نیز توجه شود.

می‌توان این پژوهش را روی دو جنس دختر و پسر و در سایر استانها انجام داد تا تعمیم‌پذیری بهتری پیدا کند. همچنین انجام پژوهشهای طولی، به دقت بیشتر نتایج کمک می‌کند.



منابع

- اسفندیاری، غ (1374). مقایسه شیوه های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تاثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روانپزشکی تهران.
- باقرپور کماچالی، صغری (1384). بررسی رابطه الگوهای فرزندپروری با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان کارکنان نظامی و غیر نظامی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران.
- بامریند، دیانا (1967). پرسشنامه شیوه های فرزندپروری، ترجمه انتشارات روان سنجی (1390).
- بهرامی احسان، هادی و آناهیتا تاشک (1383). «ابعاد رابطه میان جهت گیری دینی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت گیری دینی». *روان شناسی و علوم تربیتی*، 34، ش 2.
- بهرامی احسان، هادی (1381). «رابطه بین جهت گیری دینی، اضطراب و حرمت خود». *مجله روان شناسی* 24، سال ششم، ش 4: 347-346.
- پورحسینی لیلاکوهی، فاطمه (1390). بررسی رابطه جهت گیری دینی و سبکهای فرزندپروری با الگوی فرزندپروری سالم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران.
- تقی لو، صادق و همکاران (1391). «تغییرناپذیری جنسی روابط بین روان رنجو خویی، برون گرایی، سبکهای مقابله تنشگرهای تحصیلی و واکنش به آن با بهزیستی ذهنی». *روان شناسی کاربردی*، ش 3 (23): 103-118.
- جان بزرگی، مسعود (1378). بررسی اثربخشی روان درمانگری کوتاه مدت با و بدون جهت گیری دینی بر مهار اضطراب و تنیدگی. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- جان بزرگی، مسعود (1386). «جهت گیری دینی و سلامت روان». *مجله پژوهشی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی*، دوره سی و یکم، ش 4.
- جلوانی، مرضیه (1390). بررسی اثربخشی آموزش شناختی رفتاری بر خوش بینی و بهزیستی ذهنی زنان مراجعه کننده به مرکز مشاوره. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- جمالی، قریب (1381). بررسی رابطه بین نگرش های دینی، احساس معنا بخش بودن زندگی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- خداپناهی، محمد کریم؛ خاکسار بلداجی، محمدعلی. رابطه جهت گیری دینی و سازگاری روان شناختی در دانشجویان. *مجله روان شناسی* 35، شماره 3. پاییز 1384.
- خوانین زاده، مرجان؛ جواد اژه ای و محمدعلی مظاهری (1386). «مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت گیری دینی درونی و بیرونی». *روان شناسی*، سال نهم، ش 35.
- زندی، سعید (1394). اثربخشی آموزش مبتنی بر مثبت اندیشی بر فرآیند خانواده و بهزیستی ذهنی زنان سرپرست خانوار. پردیس ارس دانشگاه تهران.

رابطه جهت‌گیری مذهبی والدین و سبک فرزند پروری ... 257

- شفيعی، نرگس؛ شهابی زاده، فاطمه، و پورشافعی، هادی (1391). جهت‌گیری دینی و مرکز کنترل بیرونی، ارائه الگوی شادکامی در دانش‌آموزان. روانشناسی و دین (20)، 107-121
- شیرزادی فرد، میثم (1390). سبکهای پردازش اطلاعات، ادراک روابط والد-کودک و بهزیستی ذهنی: نقش واسطه‌ای باورهای اساسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- صفایی، علیرضا (1395). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس شیوه‌های فرزندپروری نوین در نمونه‌ای از والدین دارای کودکان آهسته‌گام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- غباری بناب، باقر (1380). «مطالعاتی در قلمرو مشترک دین و روان‌شناسی». حوزة دانشگاه، ش 29 (زمستان).
- غلامی جلیسه، سمیه، نقش جهت‌گیری دینی والدین در سبک‌های فرزند پروری و خشونت خانوادگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، 1386.
- فدایی لشکرگاهی، زهرا (1393). رابطه جهت‌گیری دینی و سلامت روان ورزشکاران اسدآباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- گراوند، هوشنگ؛ بهرام هاشم‌آبادی، پیمان زهراوند و سیده جعفری (1391). «بررسی تطبیقی جهت‌گیری دینی (درونی و بیرونی) با سلامت روان و باورهای غیر منطقی». روان‌شناسی و دین، سال پنجم، ش 1 (بهار): 79-103.
- گلستانی‌بخت، طاهره (1386). ارائه الگوی بهزیستی ذهنی و شادمانی در جمعیت شهر تهران. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی بالینی. دانشگاه الزهرا.
- محمدی، فرهاد (1390)، رابطه معنای زندگی و خوش‌بینی با بهزیستی ذهنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- مختاری، عباس (1379)، بررسی رابطه جهت‌گیری دینی و مولفه‌های خود‌پنداشت با میزان تنیدگی در دانشجویان دانشگاه تهران و تربیت‌مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- مومنی‌شاهدشتی، سیده معصومه (1393). بررسی رابطه سبکهای فرزندپروری مادران با کمال‌گرایی و شیوه فرافکن فرزندان نوجوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- نیکخواه بهرامی، محمد (1386). بررسی رابطه سبکهای فرزندپروری با سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه اول دبیرستان منطقه بوستان و گلستان استان تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- وفایی بور بور، صدیقه 1378. نقش جهت‌گیری (درونی و بیرونی) مقابله دینی در استرس شغلی دبیران زن شهرستان همدان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- هادیان فرد، حبیب (1384). احساس ذهنی بهزیستی و فعالیت‌های دینی در گروهی از مسلمانان، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار).

- هدایتی، بنت الهدی (1387). شیوه های فرزندپروری و مسئولیت پذیری نوجوان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Abar, B., Carter, K.L., & Winsler, A. (2009). **The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, risk behavior among African-American parochial college students.** *Journal of Adolescence*, 32, 259-273.
- Allport, G.W. & J.M. Ross (1950). **“Personal Religious Orientation and Prejudice”.** *Journal of Personality and Social Psychology*, 5: 432-443.
- Amina, Abu-Bakr; Fons J.R Van de Vijver, Angela O. Suryani, Penny Handayani & Weny Savitry Pandia (2015). **“Perceptions of Parenting Styles and Their Associations with Mental Health and Life Satisfaction among Urban Indonesian Adolescents”.** *Journal of Child and Family Studies*, 24 (9): 2680-2692.
- Bagherpour kamachali , s. (2005). **“Analyzing the relation between parenting styles and mental health and educational success of military staff and non military staff's children ”.** *M.A. thesis, Tehran University; psychology faculty*
- Bahrami ehsan , h. and tashak ,a. (2004). **“relation between religious orientation and mental health; psychology and training sciences journal ; 34; N: 2.**
- Bahrami ehsan , h (2002). **“Relation between religious orientation, anxiety and self-esteem; psychology magazine; 24; N: 4: 346-347**
- Baumrind, D. (1971). **“Current Patterns of Parental Authority”.** *Developmental Psychology Monograph*, 4: 103.
- Baumrind, D. (1991). **“The Influence of Parenting Style on Adoles Çeri Competence and Substance Uwe”.** *Journal of Early Adolescence*, 11: 56-50.
- Baumrind, D. (2011). **“Parenting styles questionnaire”.** *Translated by ravansanji pub.*
- Bergin, A.E. (1980). **“Psychotherapy and Religious Value”.** *Journal of consultation and Clinical, Psychology*, 48: 95-105.
- Brnstein, M.H. (2005). **“The Effect of Religious Orientation on Spontaneous, Personality”.** *Individual Differences*, Vol. 38, Issue 2.
- Esfandiari , gh. (1995). **“comparing the parenting styles of mothers in two groups of children suffering a behavioral disorder and the effect of mother's teachings in disorder reduction”.** *M.A. thesis, Tehran psychiatry research institute.*
- Fadaee lasgkarghahi , zahra (2014). **“The relation between Religious orientation and mental health of athletes in asadabad ”** , M.A. thesis, Tehran University
- garavand ,h. and others(2011). **“Comparative analysis of Religious orientation (external and internal) and mental health and illogical beliefs; psychology and religion (N:1); (Spring) 79-103.**

- Ghobari bonab , b (2001). **“studies on the common area of religion and psychology ”** , seminary and university , N: 29(winter)
- Gholami jaliseh , s (2007). **“ the role of Religious orientation of parents in parenting styles and domestic violence”** , M.A. thesis, Tehran University
- golestani bakht , tahereh (2007). **“Mental well- being pattern and happiness among Tehran people ”** , P.H.D. thesis in clinical psychology, alzahra University
- Hadian fard ,H. (2005). **“mental subjective of well- being and religious activities among a group of Muslims; psychiatry and clinical psychology magazine; (thought and behavior) .**
- Hedayati , b (2008). **“Parenting styles and responsibility of adolescents; Institute of Humanities and Cultural Studies**
- Jalvani , m(2011). **“Analyzing the effectiveness of behavioral and cognitive training on optimism and mental well-being of women referring to consultation center , M.A. thesis, Tehran University.**
- jamali , gh (2002). **“Analyzing the relation between religious attitudes, the feeling of meaningfulness of life and mental health among the students of Tehran University, M.A. thesis, Tehran University**
- Jan bozorgi ,m(1999). **“analyzing the effectiveness of short term therapy with / without religious orientation on controlling the anxiety and stress , PH.D. thesis, tarbiat modarres University.**
- Jan bozorgi ,m(2007). **“religious orientation and mental health , research magazine of medical faculty ; shahid beheshti medical sciences University; N:4.**
- Joussemet, Mireille; Mageau, Geneviève A. and Koestner, Richard. (2014). **Promoting Optimal Parenting and Children’s Mental Health: A Preliminary Evaluation of the How-to Parenting Program.** Journal of Child and Family Studies. 23; 949–964
- Keyes,C.L.M.,Shmotkin,.D. & Ryff,C.D.(2002). **Optimizing Well-being: The empirical encoundter of two traditions.** Jornal of Personality and Social Psychology, 82(6), 1007-1022.
- Khavanin zadeh ,m. and others. (2007). **“comparing the attachment styles between students with internal religious orientation and external; psychology magazine; N: 35.**
- Khodapanahi ,m. and khaksar m. (2005). **“Relation between religious orientation and psychological compatibility among students; psychology magazine; 35; N: 3.**
- Mohammadi , f(2011). **“relation between the meaning of life and optimism with mental well-being , M.A. thesis, Tehran University.**
- Mokhtari , a(2000). **“relation between Religious orientation and self-concepts componets with the rate of stress among tehran and tarbiat modarres students ” , M.A. thesis, psychology faculty of Tehran University**

- Momeni shahandashti , seyyedeh masoumeh(2014). **“Relation between Parenting styles of perfectionist mothers and projective technique of children ”** , M.A. thesis, psychology faculty of Tehran University
- Nikkhah bahrami , M. (2007). **“Relation between Parenting styles and mental health and educational progress of students in one of tehran,s high schools ”** , M.A. thesis, psychology faculty of Tehran University.
- Pourhosseini leyla koohi , f(2011). **“Relation between religious orientation and Parenting styles with healthy Parenting pattern ,** M.A. thesis, psychology faculty of Tehran University
- Powell,L. & Thoresen, C. E.(2001). **Religion and spirituality: Linkages to physical health.** *The AmericanPsychologist*, 58, 36-52.
- Safaee , a(2016). **“analyzes of psychometric features of modern parenting styles scale in parents having slow paced children”** , M.A. thesis, psychology faculty of Tehran University
- Sakamoto, Ayuko; Keiichiro Adachi, Toshinori Kitamura & Masayo Uji (2014). **“The Impact of Authoritative, Authoritarian, and Permissive Parenting Styles on Children’s Later Mental Health in Japan: Focusing on Parent and Child Gender”.** *Journal of Child and Family Studies*, 23 (2): 293-302.
- Shafiee ,n. and others(2011). **“Religious orientation and external control center; presenting a happy pattern among students; psychology and religion (; 20); 107-121.**
- Taghiloo , s and others(2011). **“sexual immutability of relations between extrovertism and confronting styles against educational stress and mental well-being , applied psychology , N: 3(23): 103-118.**
- vafae boor boor , seddigeh(1999). **“the role of Religious orientation(external and internal) in reducing the job stress among female teachers in hamedan ”** , M.A. thesis, Tehran tarbiat modarres University
- Yeung, Jerf W. K and Chan, Yuk-Chung. (2014). **Parents’ Religious Involvement, Family Socialization and Development of Their Children in a Chinese Sample of Hong Kong.** *Social Indicators Research*, 117; 3; 987–1010
- zandi ,s (2015). **“The effectiveness of positive thinking training on family and mental well-being of female-headed households; aras campus of Tehran University.**

